

۶۰- (شهادت استیفان)

اما استیفان که پر از روح القدس بود، به آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و عیسی را که در سمت راست خدا ایستاده بود.

گفت: «اینک آسمان را گشوده می‌بینم و پسر انسان را که در سمت راست خدا ایستاده است.»

آنها با صدای بلند فریاد زدند و گوش‌های خود را گرفتند و همگی با هم به سوی او هجوم بردند. او را از شهر بیرون کشیده و سنگسار کردند. شاهدان، لباس‌های خود را نزد جوانی به نام شائول گذاشتند.

در حالی که او را سنگسار می‌کردند، استیفان دعا کرده، گفت: «ای خداوند عیسی، روح مرا بپذیر.» سپس زانو زده، با صدای بلند فریاد زد: «ای خداوند، این گناه را بر ایشان محسوب مکن.» و این را گفت و جان سپرد.



یوحنا ۱: ۱۴-۱۴ (عیسی، راه به سوی پدر)

دل‌های شما مضطرب نشود. به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر من منزل‌های بسیار است؛ اگر چنین نبود، آیا به شما می‌گفتم که می‌روم تا برای شما مکانی آماده کنم؟ و اگر بروم و مکانی برای شما آماده کنم، باز می‌آیم و شما را نزد خود خواهم برد تا جایی که من هستم، شما نیز باشید. و جایی را که من می‌روم، راهش را می‌دانید.

توما به او گفت: «ای خداوند، ما نمی‌دانیم به کجا می‌روی، پس چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟» عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس نزد پدر نمی‌آید جز به وسیله من.

اگر مرا شناخته بودید، پدر مرا نیز می‌شناختید. از این پس او را می‌شناسید و او را دیده‌اید.»

فیلیپس به او گفت: «ای خداوند، پدر را به ما نشان بده و ما را کافی است.» عیسی به او گفت: «ای فیلیپس، این همه مدت با شما بوده‌ام و مرا نشناخته‌ای؟ هر که مرا دیده، پدر را دیده است. پس چگونه می‌گویی پدر را به ما نشان بده؟»

آیا باور نداری که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی که به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، بلکه پدری که در من ساکن است، اعمال خود را انجام می‌دهد.

مرا باور کنید که من در پدر هستم و پدر در من است، و اگر نه، دست‌کم به خاطر همان اعمال ایمان بیاورید.

به یقین به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم، او نیز خواهد کرد و حتی بزرگتر از اینها را، زیرا من نزد پدر می‌روم.

و هر چه به نام من درخواست کنید، آن را انجام خواهم داد تا پدر در پسر جلال یابد. اگر چیزی به نام من از من بخواهید، آن را انجام خواهم داد.

امروز درباره شهادت (جان دادن در راه ایمان) فکر می‌کنیم، همان‌طور که به استیفان در Acts of the Apostles ۷:۵۵-۶۰ نگاه می‌کنیم.

بیشتر ما احتمالاً برای ایمان‌مان با مرگ روبه‌رو نمی‌شویم (هرچند می‌دانم بعضی‌ها اگر به کشورهای خود برگردند، ممکن است با چنین خطری مواجه شوند).

اما این سؤال مهم است: شما برای چه موضوعی حاضر هستید محکم بایستید؟ سیاست؟ محیط زیست؟ خانواده؟ شغل؟ این‌ها باید موضوعاتی باشند که هم درست (حقیقی) و هم مهم (بارز) باشند.

موضوعی که همه ما در آن مشترک هستیم، البته ایمان ماست — چیزی که هم درست است و هم اهمیت دارد.

کمی قبل از بخش امروز، استیفان تاریخ قوم اسرائیل را بازگو می‌کند و به دادگاه نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها بارها اشتباه کرده‌اند و بهترین چیزی را که خدا برایشان داشته، از دست داده‌اند. به همین دلیل، آن‌ها خشمگین می‌شوند!

اما (آیه ۵۵)، خدا با استیفان است، او را پر می‌کند و به او رؤیایی آسمانی می‌دهد؛ و او در آیه ۵۶ این رؤیا را با شکنجه‌گرانش در میان می‌گذارد.

آیات ۵۷-۵۸: واکنش آن‌ها بسیار خشن و دیوانه‌وار است. اما در آیات ۵۹-۶۰، استیفان کاری را انجام می‌دهد که فقط یک مسیحی واقعی می‌تواند انجام دهد: او خود را به مراقبت عیسی می‌سپارد و برای بخشش آن‌ها دعا می‌کند.

او می‌تواند این کار را انجام دهد چون حقیقت متن دیگر را می‌داند، یعنی ۱۴:۱-۱۴:۱۴. Gospel of John. او دیدی آسمانی دارد و می‌داند که آن زندگی (آسمانی) از این زندگی بهتر است.

و خدا از شهادت او برای ساختن و رشد کلیسا استفاده می‌کند.

اگر ما بخواهیم برای ایمان‌مان بایستیم، باید:

- انجیل (پیام ایمان) را بشناسیم
- دیدی آسمانی داشته باشیم
- بدانیم که روح‌القدس با ماست
- این کار را به دلایل درست انجام دهیم (نه فقط برای اذیت کردن دیگران!)
- انتظار داشته باشیم که خدا از این شهادت برای رشد کلیسا استفاده کند